

حد مجاز روابط جنسی در اجتماعات مختلف

برای بحث و بررسی بیشتر در این زمینه بطور خلاصه در طول تاریخ اجتماعات متشکله بشری بمطالعه موضوع می پردازیم :

الف - بین افراد اولیه اقوام عقب مانده ، مانند بومیان استرالیا که از قدیمیترین ، بینواترین ، عقب مانده ترین ، وحشیان توصیف شده اند و هیچگونه خویشاوندی بدنی ، یازبانی ، با همسایگان خود به پلای نزیها و مالائیها ندارند ، نه خانه می سازند و نه کشت و زرع می کنند و نه داسهای اهلی نگهداری می کنند و وجود پادشاه برای آنها مفهوم ندارد ، بادقت خاصی و سختگیری پرمشقت و غیرقابل تحملی از روابط جنسی با محارم جلوگیری می کنند بطوریکه میتوان گفت سازمان اجتماعی آنها شاید برای اعمال این قاعده بوجود آمده است در بین این قبیله شیوه توتمیسم حکم فرماست . بومیان استرالیا به قبیله ها و عشیره هائی تقسیم می شوند که هر یک دارای توتم خاصی هستند (توتم جانور آرام قابل استفاده یا درنده و گاه گیاهی است) توتم بدو جد اصلی و نخستین قبیله و روح محافظ و کمک کار خانواده بشمار می رود . و بنا بعقیده فروید و فرویدیستها توتم جانشین پدر است .

توتمیسم در بین سرخ پوستان شمالی آمریکا و اقوام جزایر اقیانوسیه و هند شرقی و بخش بزرگی از آفریقا نیز مشاهده و در میان اقوام آریائی و سامی اروپا و آسیا نیز وجود داشته است .

برخی از محققین برآنند که توتمیسم یکی از مراحل تطور حیات عقلانی بشر بشمار می رود و از اینرو محافظه کارترین و قدیمی ترین اقوام امروزی خودبیک اعتبار اقوام قدیمی هستند و زمان طولانی را پشت سر نهاده اند که در طی آن بینش و آداب اولین آنان دستخوش تطورات و تحولات شده است .

تقریباً در تمام مکانهایی که اعتقاد به توتم وجود دارد این قانون نیز یافت می شود که افراد یک نسل توتم نباید با یکدیگر زناشوئی کنند و عدم رعایت

این تحریمهای توتمی مستوجب عقوبت شدید از طرف تمام افراد قبیله است و کیفر شکست این تحریم مرگ است.

و همچنین در عشتبازیهای اتفاقی هرگونه تجاوزی از حدود تحریم توتمی موجب کیفر بوسیله اعدام می گردد. و چون مجازاتها بسیار شدید است از اینرو انگیزه های عملی اینگونه تحریم ها غیر عملی بنظر می رسد. و در ضمن توتم ارثی است و در اثر زناشوئی تغییری در آن حاصل نمی شود و در جریان زناشوئی بایگانه رابطه جنسی مرد را با تمام زنان قبیله خود غیر ممکن و ممنوع می سازد و حال این مسئله که چگونه خویشاوندی و عشیره توتمی جانشین خانواده واقعی بمعنای متفاهم ماسی شود برای ما بصورت معماست. سیستم تسمیه طبقاتی آنان بنحوی است که لغاتی که بکار می برند نمی توان نماینده رابطه خویش بین دو نفر دانست مثلاً وقتی کسی بدیگری پدر خطاب می کند مقصودش فقط پدر خود نیست بلکه تمام مردانی است که طبق مقررات قبیله ای می توانسته با مادر او ازدواج کنند و همچنین در باره زنان یعنی بهر زنی مادر می گفتند مادر آنها بوده و بدون تخلف از مقررات عشیره ای همسر پدر وی میگردیده است و این موضوع را وقتی بهتر درک می کنیم که مسئله همسری اشتراکی را فهمیده باشیم که قبل از ازدواج انفرادی موجود بوده و در آن رسم بر این بوده است که بتعداد زنان مرد انتخاب و هر مرد شوهر زنان و هر زن زن همه مردان می بوده است اگر زناشوئی انفرادی را بجای زناشوئی اشتراکی بگذاریم آنوقت علت اجتناب افراطی از محارم را که در نزد همین افراد می یابیم میتوان درک کرد. بایگانه همسری و یا تحریم روابط جنسی میان اعضاء یک قبیله وسیله مناسبی برای جلوگیری از آمیزش جنسی محارم گروهی نسلهای بعدی جلوه می کند که بعداً سنتش استوار شده و در طی زمان همچنان پای برجا مانده است.

در توسعه بیشتر سیستم طبقات ممنوعه نکاحی، مجاهدتی علاوه بر ممانعت از زناشوئی با محارم نسبی و طبیعی در جلوگیری از زناشوئی های میان عشیره هایی که در ابعاد حد خویشی قرار داده اند ملاحظه می شود، عیناً بمشابه فتوای کلیسای مسیحی که حکم تحریم زناشوئی میان خواهر و برادر را داده است و آن را شامل پسر عمو و دختر عمو پسردائی و پسر عمه و نظیر آن نیز دانسته است.

و بالاخره ناچاریم بگوئیم که این وحشیان در مسائل مربوط به محارم حساستر از ما هستند شاید هم آنها بیشتر مقهور و سوسه نزدیکی با محارمند و از اینرو بیک حافظ و مانع نیرومندتری از ما نیازمندترند .

این مجازات و اخلاقیات تحریمی در میان اقوام دیگر نیز مشاهده می شود و این موضوع در جزایر ملانزی بصورت پرهیز ویژه نمایان است یعنی برادر و خواهر نباید حتی با یکدیگر ملاقات کنند و حتی مادر نباید با دست خود به پسر بالغ خود غذا بدهد و از همین قبیل مقررات در کالدونی جدید در مورد خواهر و برادر دیده می شود .

در گازلن خواهر بعد از ازدواج مجاز نیست با برادر خود صحبت کند . در مکلن بورک ، علاوه بر برادر و خواهران پرهیز ویژه در مورد پسر عمو دختر عمو و پسرخاله و دخترخاله ضروری است و کیفر نزدیکی جنسی در اینجا با خواهر اعدام است .

در جزایر فی جی نه تنها پرهیز ویژه شامل خویشاوندان نسبی در درجه یک و دو می شود بلکه شامل خواهران هم گروه و هم عشیره می گردد .

در سوماترا نیز احکام پرهیزی ، شامل تمام اقوام نزدیک می شود همچنین است در افریقای شرقی در جزایر استرالیا و بانک پرهیز ویژه داماد از مادر زن سخت شدید و دقیق است و این دو از نزدیک شدن بیکدیگر احتراز می جویند همینطور در جزایر وانتالاوا و جزایر سلیمان قوم باسوکا بحدی از روابط جنسی با محارم متنفر است که حتی اگر دامهای خانگی بدان تن در دهند بدون مجازات نمی مانند .

بهر حال قدر مسلم در مورد تعیین محارم اینستکه امری طبیعی و فطری نیست بلکه تعیینی و مجعول و تابع یک سلسله از عوامل است هر چند که ماهیت این عوامل مانند اینکه آیا مطلقاً از مقوله روانشناسی یا از مقوله جامعه شناسی و یا مذهبی و اقتصادی است بدرستی بر ما معلوم نمی باشد :

جمهوریت و محارم :

در کتاب جمهوریت ، افلاطون معتقد است که در مدینه فاضله هیچگونه قیدی برای آمیزش زنان سالم و مردان سالم وجود ندارد و حتی برادر و خواهر در صورت سلامت مزاج می توانند بیکدیگر ازدواج نمایند و برای از بین بردن علائق

انحصاری فردی بخاطر منافع اشتراکی توصیه می‌کند که زنان و اولاد سپاهیان مشترک باشد. از اینرو در جمهوریت افلاطون محارم کسانی هستند که سلامت مزاج آنان مورد تردید باشد.

امپراطوری ساسانی و محارم :

بعقیده برخی ازدواج باخواهر و بازن پدر در امپراطوری ساسانی امری مقبول و معمول و متداول بوده است ازدواج باخواهر بویژه در خاندان سلطنتی برای حفظ پاکی خون و میراث شاهانه اصلی مرجع بشمار می‌رفته است و زناشوئی میان برادر و خواهر را موجب جلب روشنائی ایزدی و طرد دیوان می‌دانسته‌اند نویسنده‌گان اسلامی نیز از این رسم ایرانیان فراوان گفته‌اند از جمله ثعالبی می‌گوید که زردشتیان زناشوئی خواهر و برادر را روا می‌دانستند و شهید نیز در شرح لمعه و ریاض در باب میراث بازدواج مجسوس با مادر و دختر و خواهر اشاه کرده است عده‌ای ازدواج بین برادر و خواهر را از خیتوا کداسی گرفته و آن را ازدواج پسر عمو و دختر عمو معین کرده‌اند و آن را بفرض غلط ازدواج برادر و خواهر معنی کرده‌اند. در افسانه‌ها نیز از ازدواج پدر با دختر آگاهی حاصل می‌کنیم، کمبوجیه دو دختر خود را در عقد ازدواج داشت، داریوش خواهر خود را بزنی گرفت، اردشیر دوم با دو دختر خود و داریوش سوم با دختر و قباد پدر نوشیروان نیز با دختر خود ازدواج کرد و استقبال عمومی مردم از مذهب مزدک دلیل برآمدگی زمینه روحی و قبول و پذیرش عمومی است.

ب - محارم در حقوق زردشتیان ایران - طبق ماده ۱۹ قانون احوال شخصیه زردشتیان زناشوئی در میان خویشاوندان نسبی یا سببی در موارد زیر ممنوع است :

۱ - نسبت بزنی

الف - پدر و جد هر قدر بالا رود، شوهر مادر، عمو، خالو، برادر، پدر برادر، پسرخواهر پسر دختر، شوهر دختر، شوهر دختر پسر، پسر شوهر دختر، پدرزن، پسر پدر شوهر، پدر بزرگ، شوهر هر قدر بالا رود - پدر مادر شوهر، پدر بزرگ مادر شوهر هر قدر بالا رود، عموی شوهر دختر، خالوی دختر، جد و اجداد مادری، نوه‌های برادر و خواهر و دختر و پسر نسلا بعد نسل.

ب - پدر خوانده - برادر خوانده، برادر خوانده عمو و خالو، پسر خوانده

برادر، پسر خوانده خواهر پسر خوانده دختر، شوهر، دختر خوانده، شوهر دختر خوانده پسر، برادر خوانده مادر، برادر خوانده عمه یا خاله، نسبت به پدر خوانده برادر خوانده و خواهر خوانده و پسر خوانده نسلا بعد نسل.

پ - کسانی که با زن یا پدر و مادر و خواهر و اولاد و اولاد اولاد زاده‌های او و اولاد پدری او همشیره بوده‌اند با پدران او و پسران هر یک از این طبقات .

۲ - نسبت بمرد

الف - مادر، زن پدر، خاله، عمه، خواهر، دختر، برادر، دختر خواهر دختر دختر پسر، دختر دختر، زن پسر، مادر پدر، مادر دختر، زن پسر دختر، مادر شوهر دختر، مادر زن او هر قدر بالا رود خواهر پدر زن، خواهر مادر زن زن عمو وزن خالو، زن پسر برادر، زن پسر خواهر، نسبت به زن پدر و خواهر دختر، برادر و دختر خواهر و دختر و پسر زن پسر دختر نسلا بعد نسل.

ب - مادر خوانده، مادر خواهر خواند مادر، خواهر خوانده خود، دختر خوانده خواهر یا برادر دختر خوانده پسر یا دختر، دختر خوانده یا خواهر خوانده اجداد زن پسر خوانده نسلا بعد نسل. نسبت بمادر خوانده و خواهر خوانده و دختر خوانده خواهر یا برادر و دختر زن پسر.

پ - دختر یا زنیکه مرد یا پدر و مادر و خواهر برادر و اولاد و اولاد زاده‌های او و اولاد پدری او همشیره بوده‌اند و همچنین با مادران یا دختران هر یک از این طبقات.

بموجب ماده ۱۶ - ازدواج بیش از یک زن برای مرد زردشتی و ازدواج بیش از یک شوهر برای زن زردشتی ممنوع است. ماده ۳ می گوید. اگر زنی شوهر یا نامزد دیگری داشته و حقیقت را پنهان و شوهر دیگر اختیار نموده باشد یا شوهری زن یا نامزد دیگر داشته و حقیقت را پوشیده و زن دیگر اختیار کند ازدواج بعدی باطل است.

بطور خلاصه باید اضافه کرد که زردشتیان محارم واقربا را همان کسانی می‌شمارند که مسلمانان میدانند و این موضوع ناشی از متجاوز از ۳۰۰ سال زندگی مشترک در یک کشور واحد و در زیر سلطه یک اقتصاد واحد بوده است.

ج - مسیحیت و محارم

مسیح نسبت خانواده را ایجاد نکرد و وقتی او بزمین نازل شد آن را برقرار یافت اما بان ارزش اخلاقی جدید و غریبی اعطا فرمود برطبق نص انجیل متی باب ۹: ۶ مسیح زناشوئی را اصل مقصد آسمانی دانسته است باین معنی که در سرشت جنس انسان ضمنی و مفهوم است و خدا آن را تصریح و برقرار فرموده و یاقانون الهی تنظیم گردیده است مسیح ضمن اینکه اصل جسمی زناشوئی را تصدیق و اعتراف می کند آن را بملکوت روحانی ارتقاء میدهد و تبدیل بعلاقت انس روح می سازد.

موانع نکاح در قانون کلیسای پرتستان - ماده ۷۶ از موانع نکاح می گوید

نکاح با محارم خود اگرچه قرابت حاصل از زنا باشد ممنوع و باطل است.

ماده ۷۷: نکاح زن با مردیکه طبق قوانین کلیسا از همسر خود جدا

شده باشد ممنوع است مگر با اجازه همان کلیسایی که اعلام طلاق نموده است.

ماده ۷۸: نکاح بازن شوهردار یا مرد زن دار باطل است.

ماده ۵۵: ازدواج مسیحی با محارم خود ممنوع و باطل است.

ماده ۵۶: محارم هر شخصی عبارت است از پدر و مادر و والدین و

اولاد طبقه اول اجداد و جدات خود مادرزن یا مادران و یا دختران آنها پدر شوهر

یا پدران و یا پسران آنها.

ماد ۵۷: نکاح اناث قبل از رسیدن به سن ۱۶ سال تمام و نکاح

ذکور قبل از رسیدن به ۱۸ سال ممنوع است....

ماد ۵۸: ازدواج با شخص دیوانه و یا اشخاصیکه بامراض رهروی

مبتلا می باشند تامادامیکه مرض در آنها موجود است ممنوع است.

د - اسلام و محارم: اسلام مسئله محارم را امری تشریحی و تابع

کیفیت ناسخ و منسوخ در ادیان پیشین می داند که نخستین زناشوئی فرزندان

آدم زناشوئی میان برادر و خواهر از نسل آدم و حوا است بنا بروایات اسلامی حوا

بیسست باز زائید و هر بار باستثنای یکبار کود کان وی دوقلو متولد شدند و این دوقلوها

همواره متشکل از یک پسر و دختر بودند. دستور ازدواج چنین بود که جفتهای بطنی

بایکدیگر ازدواج نکنند بلکه دختر هر بطن با پسر بطن دیگر و بالعکس ازدواج نمایند

علت مخالفت قاییل نیز همین بود و نمی خواسته خواهر دوقلوی زیبای خود را به

هابیل بزنی بدهد و خواهر دوقلوی او را که زشت تر از خواهر دوقلوی خود بوده بزنی بگیرد. و در تفسیر این حکایت آمده که این احکام ازدواج اضطراری بود که مارا مصاحبت و اظهار عقیده در آن نیست.

۵ - اسباب تحریم در قرآن مجید

۱ - آیه ۲۶ از سوره نساء : ولا تنكحوا ما نكح آباؤكم من النساء الا ما قد سلف انه كان فاحشة ومقتاوساء سبيلا (۱)

و آیه ۲۳ از سوره نساء : حرمت عليكم امهاتكم وبناتكم و اخواتكم وعماتكم وخالاتكم وبنات الاخ وبنات الاخت وامهاتكم اللتي ارضعنكم و اخواتكم من الرضاعة و امهات نسائكم وربائبكم اللاتي في حجوركم من نسائكم اللاتي دخلتم بهن فان لم تكونوا دخاتم بهن فلا جناح عليكم وحلائل ابنائكم الذين من اصلا بكم وان تجمعوا بين الاختين الا ما قد سلف ان الله كان عفورا رحيماً . (۲)

و آیه ۲۴ از سوره نساء - والمحصنات من النساء الا ملكت ايمانكم كتاب الله عليكم (۳)

آیه . ۲ از سوره بقره : ولا تنكحوا المشركات حتى يؤمنن ولا مة مؤمنة خیر من مشرکه ولو اعجبتمکم ولا تنكحوا المشركين حتى يؤمنوا و لعبد مؤمن خیر من مشرکک ولو اعجبکم اولئک یدعون الی النار. (۴)

منشاء مجازم در عادات و ادیان مختلفه - مطالعات و استقرائهای مردم

۱ - و نکاح نکنید آنچه را نکاح کردند پدران شما از زنان مگر آنچه بتحقیق گذشت بدرستی که آن باشد کاری زشت و دشمنی و بد راهی.

۲ - حرام کرده شد بر شما مادران شما و دختران شما و خواهرانتان و عمه‌ایتان و خاله‌ایتان و دختران برادر و دختران خواهر و مادرانتان که شیر دادند شما را و خواهرانتان از شیر خوردن و مادران زنانتان و دختران که تربیت یافته‌اند در کناره‌اتان از زنانتان که دخول کرده باشید بانها پس اگر دخول نکرده باشید بانها پس نیست گناهی بر شما و زنان پسرانتان که باشند از پشت‌های شما و آنکه جمع کنید میان دو خواهر مگر آنچه بحقیقت گذشت بدرستی که باشد خدا آمرزنده و مهربان.

۳ - و شوهرداران از زنان مگر آنچه را سالک شدید به بملتهایتان کتاب خدا بر شما .

۴ - نکاح نکنید زنان مشرکه را تا وقتی که ایمان آوردند و هر آینه کنیز مؤمنه بهتر است از مشرکه گر چه خوش آید شما را و نه زن دهید مشرکانرا تا وقتی که بگروند و هر آینه بنده مؤمن بهتر است از مشرک و اگر چه خوش آید شما را.

شناسی نشان داده است که تنها بوسیله علل اقتصادی نمیتوان تابلوهای جنسی وجدولهای تحریمی شبکه جنسی را توجیه کرد. هرچند مردم شناسی علمی است که اطلاعات و مواد را برای پی بردن بعلت تعیین محارم و شبکه جنسی بمانده می دهد. در دو اجتماع ابتدائی که دارای سیستم نسبتاً مشابه و یکسان اقتصادی هستند بطورشگفت انگیزی سازمان اجتماعی و رفتار جنسی مختلف و حتی متضادی مشاهده می شود.

مردم شناسی امروز مایل است که علت تعیین محارم را یک علت اجتماعی بداند البته مقصود آن نیست که آن را کاملاً جدا از انگیزه های روانی و اقتصادی بدانیم: بطور خلاصه از تحقیقات مردم شناسان اینطور استنباط می شود:

- ۱ - علت تعیین محارم غریزی و فطری نیست.
- ۲ - علت تعیین محارم روانی نیست.
- ۳ - علت تعیین محارم اقتصادی تنها نیست.
- ۴ - بلکه علت تعیین محارم در اثر تعمق و تفکر اجتماعی ناآگاه ناشی از نیازمندیهای مشترک اجتماعی، روانی، اقتصادی، سیاسی و مانند آنست.

و- محارم و اقربا در قانون مدنی ایران - قرابت یک رابطه حقوقی است در صورتیکه بین دو نفر در اثر تولد یکی از دیگری باشد یا دو نفر از یک منشاء بوجود آید آن را قرابت نسبی می گویند. طبق ماده ۴۰۵. ق. م. نکاح با اقارب نسبی ذیل ممنوع است اگرچه قرابت حاصل از شبهه یا زنا باشد.

- ۱ - نکاح با پدر و اجداد و با مادر و جدات هر قدر که بالا رود.
- ۲ - نکاح با اولاد هر قدر که پائین برود.
- ۳ - نکاح با برادر و خواهر و اولاد آنها تا هر قدر که پائین برود.
- ۴ - نکاح با اعمات و خالات خود و عمت و خالات پدر و مادر و اجداد و جدات صدر ماده میگوید اگرچه قرابت حاصل از شبهه و زنا باشد. از این جمله معلوم می شود که قرابت نسبی یا مشروع است یا نامشروع. قرابت مشروع ناشی از ازدواج قانونی است لیکن قرابت نامشروع عبارتست از قرابتی که مبنی بر قوانین شرعی و مدنی نباشد. و آن برد و قسم است قرابت ناشی از نزدیکی شبهه و یا قرابت ناشی از زنا که در مورد اول هر گاه یکی از طرفین عالم بعد

فی مابین باشد طفل متولد از آن نزدیکی متولد از زنا و مشمول حکم قسمت دوم است که در ماده ۱۱۶۷ قانون مدنی بدان حکم شده طفل متولد از زنا ملحق بزانی نمی‌شود هر چند ماده مذکور اولاد ناشی از رابطه نامشروع را از حق فرزند محروم کرده است و هیچگونه حقی برای او نشناخته اما در ماده ۱۰۴ ق. م. او را از نظر ازدواج و رابطه جنسی در عرض اولاد مشروع قرار داده این ماده مسلماً متأثر و مبتنی بر اصول شرعی شیعه امامیه است و با منطق حقوقی و عدالت اجتماعی سازگار نیست زیرا اگر قانون اصولاً آثاری بروابط ناشی از زنا قائل نشده باید حکم در همه جا باشد نه فقط سختگیری بیموردی که بیک طفل که پدر و مادر خطا کار او مقصر بوجود آوردنش بوده‌اند اعمال شود بهرحال با وجود اینها قانونگذار از نظر شبکه تحریم جنسی اولاد ناشی از زنا و شبیهه را نیز در عرض سایر اولاد ناشی از ازدواج صحیح قرار داده است.

ماده ۱۰۴۶ ق. م. قرابت رضاعی از حیث حرمت نکاح در حکم قرابت نسبی است مشروط بر اینکه :

- اولاً - شیر زن از حمل مشروع حاصل شده باشد.
- ثانیاً - شیر مستقیماً از پستان مکیده شده باشد.
- ثالثاً - طفل لا اقل یک شبانه روز و یا ۱۰ دفعه متوالی شیر کامل خورده باشد بدون اینکه در بین غذای دیگر یا شیرزن دیگر را بخورد.
- رابعاً - شیر خوردن طفل قبل از تمام شدن دو سال از تولد او باشد.
- خامساً - مقدار شیری که طفل خورده است از یک زن و از یک شوهر باشد بنابراین اگر طفل در شبانه روز مقداری از شیر یک زن و مقداری از شیر زن دیگر بخورد موجب حرمت نمی‌شود. اگرچه شوهر هر آن دو زن یکی باشد و همچنین اگر یک زن یک دختر و یک پسر رضاعی داشته باشد هر یک را از شیر متعلق بشوهر دیگر شیر داده باشد آن پسر با آن دختر برادر و خواهر رضاعی نبوده و ازدواج بین آنها از این حیث ممنوع نمی‌باشد.

قرابت رضاعی در آنجا موجب حرمت نکاح می‌شود که هر کس شیر از پستان زنی بخورد طبیعتاً آن شیر در او اثر گذارده و از اینرو مانند مادر اوست و ازدواج او با مادر رضاعی و برادر و خواهر رضاعیش از نظر مفاسد اخلاقی و اجتماعی مانند ازدواج طفلی است با مادر و خواهر و برادر و پدر خود در حقوق ملل قدیمه

قربت رضاعی دیده نشده و کشورهای غیراسلامی شیرخوردن را از موانع نکاح بشمار نمیآورده‌اند و شاید بتوان آن را در علم الاجتماع و سیر تکاملی خانواده جستجو نمود .

بنظر آقای دکتر سید حسن امامی : برای پیدا کردن منشاء اجتماعی قربت رضاعی میتوان حدس زد که در عادات اقوام شیردادن بکودک عملاً ایجاد یکنوع علاقه بین زن شیردهنده و شوهر او و کودک می‌نماید که آن را در ردیف خویشاوندی نسبی در خانواده جلوه گر میساخته و افراد خانواده همان حمایتی را از خویشاوندان رضاعی می‌نمودند که از خویشاوندان نسبی خود میکردند اینستکه قربت رضاعی از حیث حرمت نکاح در قبایل مانند خویشاوندی نسبی بشمار می‌رفته قربت رضاعی از احکام امضائی اسلام است و قانون مدنی آن را از فقه امامیه گرفته فقهای امامیه از قربت رضاعی بکودکی که شیر زن را خورده مرتضع بزنی که کودک را شیر داد مرضعه و بشوهر زن فحل یا صاحب‌البن می‌گویند .

بنابراین اولاً نکاح با پدر و اجداد رضاعی و یا مادر و جدات رضاعی هر قدر که بالا رود .

ثانیاً - نکاح با اولاد رضاعی هر قدر که پائین رود .

ثالثاً - نکاح با خواهر و برادر رضاعی و اولادان آنها تا هر قدر که پائین

رود .

رابعاً - نکاح با عمات و خالات رضاعی خود و عمات و خالات رضاعی پدر و مادر و اجداد و جدات رضاعی ممنوع و در حکم زناست .

ممنوعیت نکاح با اقربای رضاعی گاه از یک رضاع حاصل می‌شود مانند نکاح بین کودک و صاحب شیر با پدر و مادر رضاعی خود و گاهی هم از دور رضاع حاصل می‌شود مانند نکاح بین مرتضع و ابوی رضاعی فحل و مرضعه و گاه دیگر از سه رضاع و بیشتر حرمت نکاح ایجاد گردد مثلاً هر گاه فحل دارای پدر و مادر رضاعی و او نیز دارای پدر رضاعی دیگری باشد و بهمین ترتیب پدر رضاعی اخیر پدر رضاعی دیگری داشته باشد یا چندین سلسله اجداد رضاعی کودک محسوب می‌گردند که از شیر فحل خورده‌اند و تمام زنانیکه پیدران رضاعی شیر داده‌اند جدات کودک بشمار می‌روند و بنابراین هر گاه کودک دختر باشد نکاح او با تمامی اجداد رضاعی مذکور در بالا ممنوع است و هر گاه کودک پسر باشد نکاح او با تمام جدات رضاعی مذکور

در بالا ممنوع است در صورتیکه یکی از جدات رضاعی خواهر داشته باشد نکاح کودک پسر با او ممنوع است زیرا او خاله اعلای کودک می باشد و هرگاه یکی از اجداد خواهری داشته باشد نکاح او نیز با آن کودک ممنوع می باشد زیرا آن زن عمه اعلای کودک است ماده ۱۰۴۶ ق. م. س. می گوید قرابت رضاعی از حیث حرمت نکاح در حکم قرابت نسبی است و این ترجمه روایت نبوی (یحرم بالرضاع ما یحرم بالنسب) .

پس ممنوعیتهای رضاعی عبارتند از:

- ۱ - ممنوع بودن نکاح مرضعه و فحل با مرتضعه و مرتضع .
- ۲ - موارد ممنوع بودن نکاح اقربای نسبی، مرتضع و مرتضعه با مرتضعه

و فحل .

- ۳ - ممنوع بودن نکاح اقربای مرضعه و فحل با مرتضع و مرتضعه
- ۴ - ممنوع بودن نکاح اقربای نسبی مرتضع و مرتضعه با اقربای نسبی مرضعه و فحل .

- ۵ - موارد ممنوع بودن نکاح اقربای رضاعی هر یک از زوجین بر

دیگری .

- ۶ - موارد ممنوع بودن نکاح بین دو مرتضع .
- ۷ - موارد ممنوع بودن نکاح بین اقربای نسبی هر یک از دو مرتضع با مرتضع دیگر .

ماده ۱۰۴۷ ق. م. س. نکاح بین اشخاص ذیل بواسطه مصاهره ممنوع دائمی است .

- ۱ - بین مرد و مادر وجدات زن او از هر درجه ای که باشد اعم از نسبی و رضاعی .

- ۲ - بین مرد و زنی که سابقاً زن پدر و یا زن یکی از اجداد یا زن پسر یا زن یکی از احفاد او بوده است هر چند قرابت رضاعی باشد .

- ۳ - بین مرد با اناث از اولاد زن او از هر درجه که باشد ولو رضاعی مشروط بر اینکه بین زن و شوهر زناشویی واقع شده باشد .

در این ماده فقط بند سوم محتاج بتوضیح است و آن عبارت از اینست که ممنوعیت ازدواج با دختران زوجه از هر درجه که باشد مشروط بر این است که بین زن و

شوهر بعد از عقد ازدواج عمل مواقعه انجام شده باشد و زناشوئی در اینجا لغت اصطلاحی حقوقی نیست زیرا در صورتیکه قبل از مواقعه از یکدیگر بواسطه فسخ یا طلاق یا مرگ جدا شوند از مفهوم ماده استنباط می‌شود که منعی برای ازدواج وجود ندارد.

ماده ۱۰۴۸ ق. م. جمع بین دو خواهر ممنوع است اگرچه بعقد منقطع باشد.

ماده ۱۰۴۹ ق. م. هیچکس نمی‌تواند دختر برادر زن و یا دختر خواهر زن خود را بگیرد مگر با اجازه زن خود

ماده ۱۰۵۰ - ق. م. هر کس زن شوهردار را با علم بوجود علقه زوجیت و حرمت نکاح و یا زنی را که در عده طلاق یا در عده وفات است با علم بعده و حرمت نکاح برای خود عقد کند عقد باطل و آن زن مطلقاً بر آن شخص حرام مؤبد می‌شود. ماده ۱۱۵۰ ق. م. می‌گوید عده عبارت است از مدتی که تا انقضای آن زنی که عقد نکاح او منحل شده است نمی‌تواند شوهر دیگر اختیار کند

ماده ۱۰۵۱ قانون مدنی. حکم مذکور در ماده فوق در موردی نیز جاریست که عقد از روی جهل بتمام یا یکی از امور مذکور فوق بوده و نزدیکی هم واقع شده باشد در صورت جهل وعدم وقوع نزدیکی عقد باطل ولی حرمت ابدی حاصل نمی‌شود.

ماده فوق دارای دو قسمت متمایز است قسمت اول موقعی که عمل سبب هم ابطال عقد است و هم موجب حرمت ابدی و آن وقتی است که پس از ایجاد علقه زوجیت عمل مواقعه هم انجام گرفته باشد در اینصورت هم عقد باطل و هم حرمت ابدی حاصل شده و بعد از آن نیز زن و شوهر نمی‌توانند ازدواج کنند قسمت دوم ماده اینست که عمل مبطل عقد است ولی سبب حرمت ابدی نمی‌شود و آن در صورتیست که پس از وقوع عقد ازدواج با زنی که در علقه زوجیت یا عده دیگریست قبل از مواقعه ابطال عقد مزبور اعلام گردد.

ماده ۱۰۵۲ ق. م. تفریقی که بالعان حاصل میشود موجب حرمت ابدی است.

لعان مصدر است و بمعنی ملامت می‌باشد و مراد از آن ناسزا گفتن است و دور داشتن از نیکی لعان سوگند مخصوصی است که در اثر آن نکاح بین

زوج و زوجه منحل می گردد و آن در دو صورت پیش می آید.

الف - لعان در مورد نسبت دادن بزنا - لعان در وقتی است که شوهر مدعی گردد که زن خود را دیده که بمرد اجنبی زنا کرده و شاهدهی هم در بین نباشد و اگر او مدعی نزدیکی بشبهه شود دیگر لعان نیست.

ب - لعان در مورد نفی ولد . طفل متولد از زناشوئی ملحق بشوهر است بشرط آنکه از تاریخ نزدیکی کمتر از شش ماه و بیشتر از ده ماه نگذشته باشد و شرط آن اینست که مرد زن خود را بزنا نسبت دهد و وقتی که مرد بزنا نسبت زنا دهد و طفل را از خود نداند نفی ولد حاصل می شود موضوع لعان در قرآن باین نحو بیان شده والذین یرمون ازواجهم ولم یکن لهم شهداء الا انفسهم فشهاده احد هم اربع شهادات بالله انه لمن الصادقین والخاف ان لعنه انه علیه ان کان من الکاذبین . البته باید متوجه بود که لعان از مختصات حقوق ماست و در حقوق فرنگی وجود ندارد . ماده ۱۰۵۳ ق . م . عقد در حال احرام باطل و با علم به حرمت موجب حرمت ابدی است .

محرم کسی است که تشریفات معینی را مطابق قوانین شرع برای زیارت کعبه بجا می آورد تا زمانی که از حال احرام خارج نشده نمی تواند ازدواج کند و اگر ازدواج کرد در صورتیکه علم به حرمت عقد داشته باشد آن زن نسبت باو حرام مؤبد می گردد .

ماده ۱۰۵۴ ق . م . زنا یا زنی شوهر دار یا زنی که در عده رجعیه است موجب حرمت ابدیست در این ماده فقط بذکر عده رجعیه اختصار شده و این موضوع از آن جهت است که زنی که در عده رجعیه است از نظر آنکه در مدت عده برای شوهر حق رجوع است مانند زن محصنه شناخته شده .

ماده ۱۰۵۶ ق . م . : اگر کسی با پسری عمل شنیع کند نمی تواند مادر و یا خواهر او را تزویج کند در موضوع لواط راجع باین موضوع بحث کافی بعمل آمد خلاصه آنکه حرمت فوق فقط ناشی از نظر اجتماعی و احترام خانواده است چه علم زن باین موضوع موجب سرشکستگی او و تزلزل در اساس خانواده خواهد بود و این عمل اعم از اینکه در سن رشد یا صغر یا توسط مجنون انجام شده باشد باید قائل به حرمت بود هر چند نتوانسته ام حکم صریحی در این مورد در قرآن بیابم .

ماده ۱۰۵۷ ق . م . اینکه سه مرتبه متوالی زوجه یک نفر بوده و مطلقه

شده بر آن مرد حرام می‌شود مگر اینکه بعقد دائم بزوجیت نزد دیگری در آمده و پس از وقوع نزدیکی با او بواسطه طلاق یا فسخ یا فوت فراق حاصل شده باشد. این حکم را فقهاء از ترکیب دو آیه الطلاق مرتبان وفلاتحل له من بعد حتی تنکح زوجاً غیره فان طلقها ملاجناح علیهما ان تراجعا استنباط کرده‌اند لازم بتوضیح نیست که چنین معنی در قانون اروپا وجود ندارد و برعکس در بعضی قوانین اگر یکی از زوجین بعد از طلاق باشدخص دیگری ازدواج کند و ازدواج دوم بطلاق منحل شود نمی‌تواند با طرف اول خود ازدواج کند.

ماده ۱۰۵۸ ق. م. زن هر شخصی که به نه طلاق که شش تای آن عدی است مطلقه شده باشد بر آن شخص حرام مؤبد می‌گردد.

۴ - مأمور دولت قسمت اخیر قرار ۷ ماده ۲۰۷ قانون مجازات عمومی می‌گوید . . یا مأمور دولت باشد که مجنی علیه از طرف مقامات رسمی با و سپرده شده . . در قانون مجازات ایران تعریفی از مستخدم نشده بموجب بند ۴ قانون مجازات سویس اصطلاح مستخدم در مورد کارمند و کارگر یک اداره دولتی و یا قضائی استعمال می‌شود همچنین اشخاصیکه شغل یا کاری را بعنوان موقت انجام میدهند، و یا اینکه بیک شغل موقتی دولتی اشتغال دارند مستخدم نامیده می‌شوند در این مورد برای اینکه بتوان حداکثر مجازات مذکور در قانون را نسبت بمرتکب جرم اعمال نمود وجود دو شرط ضروری است. اول آنکه در زمان ارتکاب جرم جزء مأمورین دولت باشد و خودنیز بر آن موضوع واقف باشد دوم آنکه مجنی علیها از طرف یک مقام رسمی و برای انجام وظیفه قانونی بمرتکب سپرده شده باشد بنابراین طبق مستفاد از این قسمت اگر مأمور دولت از کسی هتک ناموس نمود و یا آنکه مجنی علیها از طرف مقام رسمی بیک فرد عادی سپرده باشد و وی مرتکب هتک ناموس نسبت بوی گردد از این جهت نمیتوان هیچیک را بحبس مؤبد محکوم نمود امامیتوان ویرا طبق فراز الف از ماده ۲۰۷ (یا کسی باشد که مجنی علیه در تحت نفوذ او واقع است) ویرا تا حداکثر ده سال مجازات کرد زیرا میتوان استناد کرد که مجنی علیه کم و بیش تحت نفوذ مرتکب قرار گرفته است.

۵ - قیم : طبق ماده ۱۲۱۸ قانون مدنی برای اشخاص دیگر نصب قیم

می‌شود .

۱ - برای صفاریکه ولی خاص ندارند .

۲ - برای مجانین و اشخاص غیر رشید که جنون یا عدم رشد آنها متصل بزمان صغر آنها بوده و ولی خاص نداشته باشند.

۳ - برای مجانین و اشخاص غیر رشید که جنون یا عدم رشد آنها متصل بزمان صغر باشد. برای اینکه بتوان کیفیات مشدده قانونی را در باره مجرمی که سمت قیمومیت مجنی علیها را دارد اعمال نمود بایستی نکات زیر را در مورد توجه قرار داد.

۱ - وجود سمت قیمومیت بایستی هنگام ارتکاب جرم محقق باشد و قیم نیز از آن مستحضر باشد.

۲ - صغر، جنون، یا عدم رشد نیز باید در هنگام وقوع جرم محقق باشد بنابراین اگر مرتکب بتواند ثابت کند مجنی علیها در موقع وقوع جرم با اینکه قیم وی بوده از حالت صغر یا عدم رشد و یا جنون خارج شده بوده ولی هنوز تشریفات قانونی برای آزادی صغیر یا مجنون یا غیر رشید از تحت قیمومیت انجام نگرفته باشد دیگر نبایستی مرتکب را به حبس مؤبد با اعمال شاقه محکوم نمود.

منابع و مأخذ این مقاله

۱ - قرآن

۲ - کتاب بیان اصول و فروع دین مسیحی انجیلی، تألیف دکتر ح

ل - پاطر - چاپ دوم

۳ - کتاب اصول روانکاوی فروید، ترجمه مقدمه تحسیه، هاشم رضی

۴ - کتاب روانکاوی فروید و تحریم زناشوئی - دکتر ناصرالدین صاحب

الزمانی .

۵ - قانون ارث و ازدواج کلیسای انجیلی

۶ - قانون مجازات سویس، ترجمه دکتر جواد واحدی

۷ - احوال شخصیه زردشتیان - محمد دامغانی .

۸ - کتاب حقوق مدنی - دکتر سید حسن اماسی جلد سوم .

۹ - کتاب حقوق مدنی - دکتر علی اکبر شایگان جلد اول .

۱۰ - زن در حقوق ساسانیان - ترجمه دکتر ناصرالدین صاحب الزمانی

۱۱ - قانون مدنی ایران

۱۲ - جمهور افلاطون - ترجمه فواد روحانی